

جایزه اندرزگو در ایستگاه پایانی

نشست خبری اولین جایزه ادبی و مردمی شهید اندرزگو برگزار شد و میثم نبیلی که مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی و در عین حال عضو شورای سیاست‌گذاری این جایزه است، به‌همراه سیدصادق رضایی، دبیر علمی این رویداد ادبی طی آن به پرسش‌های اهالی رسانه پاسخ گفتند.

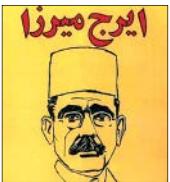
به گزارش جام جم، در آغاز نشست، میثم نبیلی درباره این جایزه گفت؛ بیش از سه سال از آغاز فرآیند و جریان جدی ادبیات یا دغدغه و هدف مقابله و مبارزه با جریان رسانه‌ای تظہیر پهلوی می‌گذرد و امسال به نقطه رسمی خودش رسیده است. جریان جنگ امروز را باید در حوزه روایت‌ها دانست؛ چنان‌که در همه جای دنیا، تقابل پس از حماسه‌ها و شکست اراده‌ها را در این حوزه شاهدیم.

عضو شورای سیاست‌گذاری جایزه شهید اندرزگو اضافه کرد: امروز نویسندگان، شاعران و اهالی قلم متعهد کشور ما باید اثبات کنند که ادامه‌دهنده مسیر انقلاب اسلامی هستند. در همین راستا، جایزه شهید اندرزگو آغایز بر جنگ روایت‌ها در مسیر انقلاب است.

در ادامه این نشست سیدصادق رضایی، دبیر علمی جایزه شهید اندرزگو، خاطرنشان کرد، در اولین دوره، مؤلفان و ناشران ۴۷۵ اثر را به دبیرخانه ارسال کردند که از این بین، ۲۳۵ اثر مرتبط با جایزه انتخاب و در اختیار داوران قرار گرفت. در بخش «روایت تاریخ» ۱۳۲ کتاب، در بخش «داستان بلند و رمان بزرگسال» ۵۶ اثر و در حوزه «داستان کودک و نوجوان» ۴۷ اثر ارزیابی شدند.

رضایی همچنین درباره نامزدهای دریافت جایزه در بخش روایت تاریخ خبر داد؛ داوران در این بخش به سه کتاب «۱۳۱۸» نوشته علی احمد مجرایی از مرکز اسناد انقلاب اسلامی، «پل پیروزی، سرزمین قحطی» نوشته محمدقلی مجد و ترجمه علی فتحعلی آشتیانی از مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی و «یادداشت‌های یک روزنامه‌نگار» نوشته موسی حقانی از مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران رسیده‌ایم که در این بین، یک کتاب به‌عنوان اثر برگزیده معرفی خواهد شد.

وی با تأکید بر این‌که این جایزه هم به نویسنده و هم به ناشر و هم به مخاطب تعلق دارد، گفت: جایزه فارغ از هدیه مادی به پنج نویسنده متعهد و برتر، به ناشران کتب برگزیده نیز مجوز خرید اثر خواهد داد و در این خصوص، کتابخانه‌های مساجد، مدارس و کتابخانه‌های عمومی از ۱۴ عنوان کتاب نامزد به تعداد ۲۰۰نسخه خرید تضمینی خواهند کرد. مراسم اختتامیه اولین دوره جایزه شهید اندرزگو یکشنبه سوم شهریور، ساعت ۱۷ در تالار سوره حوزه هنری واقع در تقاطع خیابان حافظ و سمیه برگزار می‌شود.



سعاد مخنت به زبان عربی آشناست و گزارش‌های متعددی از خاورمیانه برای رسانه‌هایی چون واشنگتن پست و نیویورک تایمز تهیه کرده است

سعاد مخنت به زبان عربی آشناست و گزارش‌های متعددی از خاورمیانه برای رسانه‌هایی چون واشنگتن پست و نیویورک تایمز تهیه کرده است

سعاد مخنت به زبان عربی آشناست و گزارش‌های متعددی از خاورمیانه برای رسانه‌هایی چون واشنگتن پست و نیویورک تایمز تهیه کرده است

سعاد مخنت به زبان عربی آشناست و گزارش‌های متعددی از خاورمیانه برای رسانه‌هایی چون واشنگتن پست و نیویورک تایمز تهیه کرده است

سعاد مخنت به زبان عربی آشناست و گزارش‌های متعددی از خاورمیانه برای رسانه‌هایی چون واشنگتن پست و نیویورک تایمز تهیه کرده است

سعاد مخنت به زبان عربی آشناست و گزارش‌های متعددی از خاورمیانه برای رسانه‌هایی چون واشنگتن پست و نیویورک تایمز تهیه کرده است

سعاد مخنت به زبان عربی آشناست و گزارش‌های متعددی از خاورمیانه برای رسانه‌هایی چون واشنگتن پست و نیویورک تایمز تهیه کرده است

سعاد مخنت به زبان عربی آشناست و گزارش‌های متعددی از خاورمیانه برای رسانه‌هایی چون واشنگتن پست و نیویورک تایمز تهیه کرده است

ماجرای ایرج میرزا و علامه طباطبایی در خانه آیت‌ا... بروجردی

محفل شعرخوانی در بیت آیت‌ا... بروجردی با اتفاقات شیرینی همراه بود. آن طور که مهر خبر داده قرار بود آیت‌ا... علوی بروجردی در این مراسم سـُـخـنـرانی کند، اما با توجه به کمبود وقت از سخنرانی صرف نظر کرد تا وقت به شاعران برسد. او خاطره‌ای از علامه طباطبایی را نقل کرد که علامه آرزو کرده بوده «کاش می‌شد تمام المیزان را با یک بیت ایرج میرزا در مصیبت حضرت علی(کبر) عوض کنم».



دلایل موفقیت کتاب «به من گفتند تنها بیا» نوشته سعاد مخنت که حاصل ملاقات این روزنامه‌نگار با یکی از رهبران داعش است را بررسی کرده‌ایم

کنجکاوی، حیرت و خیلی چیزهای دیگر

تقریباً سه ماه از انتشار کتاب گذشته و حالا «به من گفتند تنها بیا» به چاپ سوم رسیده است؛ این موقعیت خوبی است برای یک کتاب و دلایل خودش را هم دارد؛ هرچه باشد یک روزنامه‌نگار توانسته با یکی از رهبران داعش ملاقات کند، زنده بماند و شرح دیدار و گفت‌وگویش را در قالب یک کتاب منتشر کند. ترجمه فارسی کتاب، اردیبهشت امسال با عنوان به من گفتند تنها بیا، توسط انتشارات کتابستان معرفت قم در نمایشگاه کتاب تهران عرضه شده و روایتی از حضور سعاد مخنت، خبرنگار روزنامه واشنگتن پست در مناطق تحت تسلط داعش و گزارش‌های او از نحوه اداره سرزمین‌های اشغال شده توسط این گروه تروریستی را پیش روی مخاطبان فارسی‌زبان قرار داده است.

مخنت، خبرنگار بخش امنیت ملی روزنامه واشنگتن پست، پیش از این هم برای چند رسانه گزارش‌هایی با موضوع امنیت ملی تهیه کرده و در این کتاب پرده از سفرش به سرزمین تحت تسلط داعش در سال ۲۰۱۴ برداشته است، اما این تمام چیزی نیست که در کتاب مخنت ذکر شده، بلکه در بخش‌هایی از آن به عضوگیری داعش در اروپا هم پرداخته شده و طبیعی است که اندکی کنجکاوی می‌تواند دست مخاطب را بگیرد و بگذارد توی دست این کتاب، اما آنچه سعاد مخنت نوشته به دلایلی علاوه بر حس کنجکاوی خواننده و مخوف و ناشناخته بودن داعش، توجه کتابخوان‌های ایرانی را به خودش جلب کرده است.

درباره نویسنده چه می‌دانیم؟

برآمده از تفاوت‌ها و تضادها

سعاد مخنت، روزنامه‌نگار آلمانی است که مادری ترک و پدری مراکشی دارد. او مسلمان زاده است و والدینی دارد که یکی شیعه و دیگری سنی است. او سال ۱۹۷۸ متولد شد، یکی دو سال اول زندگی را در مراکش گذراند و بعد با خانواده‌اش به آلمان رفت و همانجا تحصیل کرد. ابتدا در هامبورگ مدرسه روزنامه‌نگاری رفت و بعد در دانشگاه گوته همین رشته را ادامه داد. در طول کتاب به من گفتند تنها بیا و در خلال ماجراهایی ملاقاتش با یکی از فرماندهان داعش، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های یک روزنامه‌نگار مسلمان زاده را درمی‌یابید که به‌عنوان یک مهاجر در قلب اروپا زندگی و رشد کرده است. تفاوت‌ها و تضادهایی که بین او و فرمانده داعشی به عنوان دو مهاجر وجود دارد و نیز شرحی که او از دیدگاه‌های این فرمانده ارائه

درباره کتاب چه می‌دانیم؟

چیزی بیشتر از یک گزارش

سعاد مخنت درخواست کرده بود با یکی از رهبران داعش مصاحبه کند. تقاضای او برای مصاحبه در طول روز و در مکانی عمومی رد شد و به جای آن قرار شد ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه شب، در مرز ترکیه و سوریه، سوار ماشینش شود که یکی از فرماندهان ارشد داعش در آن نشسته است. مخنت بر تردیدهایش غلبه کرد و برخلاف تصور با مرد جوان تحصیلکرده‌ای مواجه شد که از خیلی جهات او را یاد برادر کوچک خودش می‌انداخت.

قرار نیست کتاب را لو بدهیم و از همه بخش‌های حیرت‌انگیزش اینجا پرده برداریم، اما همین را بدانید که مرد جوانی که با مخنت ملاقات کرد، سمت خاصی در گروه داعش داشت و اصلاً به چیزی که ممکن است در ذهن شما باشد، شبیه

در این کتاب چه می‌خوانیم؟

تنها رفت

«... من روزنامه‌نگاری بودم که ستیزه‌جویی اسلامی در اروپا و خاورمیانه را برای نیویورک‌تایمز، خروجی‌های خبری مهم آلمانی‌زبان و اکنون واشنگتن پست پوشش می‌دادم. دیده بودم در دنیای خلق‌شده پس از حملات ۱۱ سپتامبر، دو جنگ به رهبری آمریکا و تحولاتی که اکنون به بهار عربی مشهور شده‌اند، این گروه شکل گرفت. سال‌ها بود با برخی اعضای آتی این گروه حرف می‌زدم. به رابط‌هایم با داعش گفتم هر سؤالی بخواهم می‌پرسم و قرار نیست تأییدیه نقل‌قول‌ها را بگیرم یا مقاله را پیش از انتشار نشانشان بدهم. همچنین باید تضمین می‌کردند ربنده نشوم و چون گفته بودند کس دیگری را از

انتشار ترجمه فارسی نمایشنامه‌ای از برشت

نمایشنامه «انسان نیک سچوان» نوشته برتولت برشت با ترجمه کامران جمالی در ۱۷۲ صفحه و قیمت ۲۶هزار تومان در نشر نیلوفر منتشر شد.

مهر نوشته که برشت نگارش این نمایشنامه را زمانی که از آلمان نازی فرار و به آمریکا مهاجرت کرد صورت داد. ترجمه این نمایشنامه منتشر شده است.



یادداشت

چگونه دیوها سر برمی‌آورند؟

🔗 مثل هر کتاب دیگری از جلدش شروع می‌شود. نامش را می‌خوانم: «به من گفتند تنها بیا». زل می‌زنم به تصویر نویسنده روی جلد و با حیرت نگاهش می‌کنم. انگار چیزی درونم خطاب به سعاد مخنت می‌گوید: خب آنها گفتند. تو هم رفتی؟ چرا رفتی؟ کم از رفتارهای کابوس‌وارشان با زن‌ها حرف به میان آمده و جهان را لرزاند که تو جرات کرده‌ای بروی. اما بعد با خودم می‌گویم خب... باید می‌رفته. یکی باید می‌رفته. همیشه در جهان یکی هست که شجاعتش را دارد و همین شجاعت‌ها هم اتفاقات بزرگ زندگی آدم‌ها که هیچ... تاریخ کشورها را رقم زده‌اند. آدم‌های شجاع حتی اگر ابله هم بوده‌اند نامی از آنها مانده. تاریخ جایی برای ترسوها ندارد...

«به من گفتند تنها بیا» کتاب خاصی است. درگیرت می‌کند. وقتی مخنت قدم به قدم جهان را درمی‌نوردد و دنبال تفکری می‌رود که کشورهای زیادی را درگیر تب و تاب‌های خود کرده، فقط راوی نیست. او تحلیل می‌کند. از ماجراهای مسلمانان و تحقیر و تخریب‌هایشان در آلمان زمان کودکی‌اش شروع می‌کند و می‌رسد به دیوی که کشورهای اروپایی خود خواه‌ناخواه مایه رشدش شده‌اند. دیوی ساخته‌اند که حالا امنیت خودشان را هم تحت‌الشعاع قرار داده است. مهاجرانی که روزی با آرزوی زندگی بهتر به اروپا رفته‌اند یا تن به کارگری داده و تحقیرها را به‌خصوص در کشوری مانند آلمان که نژادپرست‌ها هنوز هم در آن فعالیت دارند، به جان خریده یا غریبه‌اند و غرش‌شان بالاخره آنها را با رویای داشتن جهانی روبه‌رو کرده که در واقع کابوسی نبوده است.

یکی از عجیب و تأثیرگذارترین اتفاقات کتاب که باعث شد برای چند روزی ببندمش و بگذارمش کنار، مواجهه مخنت با سربازان آمریکایی در عراق بود. مواجهه‌ای تلخ و تکان دهنده که نشان می‌دهد سیاست‌های جهان غرب حتی با مردم خودش چه کرده است. مخنت با سربازانی روبه‌رو می‌شود که وحشی، عصبی و سرخورده‌اند. آنها به هدایت رهبران‌شان وارد یک کشور شده‌اند تا مردمشان را نجات دهند. آنها تصور می‌کردند مردم عراق با شاخه‌های گل از آنها استقبال خواهند کرد، اما... وقتی می‌رسند می‌فهمند قهرمان این مردم نیستند، می‌فهمند مورد نفرت هستند و مرگ‌شان برای اهالی این کشور شیرین‌تر از بودن‌شان است. چند روز تمام خودم را جای سربازها و خانواده‌هایشان گذاشتم. این‌که فکر کنی قرار است قهرمان باشی، اما برسی و ببینی تو هم دیوی. بله دیو.

به من گفتند تنها بیا، سرگذشت همین اتفاقات است. آدم‌هایی که همه از جانب نیروهای خارجی در مسیری قرار می‌گیرند که می‌خواهند بهترین‌ها را رقم بزنند، اما می‌رسند به برهوتی که اگر واقع‌بینی یقه‌شان کند، شاید اسلحه‌ای بردارند و گلوله‌ای...

هر چند خبر تجدید چاپ کتاب اتفاق خوبی است، هر چند باید همه دنیا این کتاب را بخوانند. اما امیدوارم کتابستان معرفت ناشر محترم کتاب، آن را دوباره به ویراستار سپرده و از تعداد بالای اشتباهات تایپی و املایی و ویرایشی نجاتش داده باشد.

گزارش جذاب و گاه تکان دهنده از قلب شبکه‌های تروریستی داعش در خاورمیانه و شمال آفریقا قسمتی از کتاب؛ اگر فقط یک چیز را به‌خوبی آموخته باشیم، این است: شیون مادران بر پیکر سیاه باشند یا سفید یا رنگین پوست؛ مسلمان باشند یا یهودی یا مسیحی؛ شیعه یا سنی. همه در یک زمین دفن خواهیم شد.

۳

manoketab

اگر چه اون چیزی که انتظار داشتم (براساس عنوانی که ناشر روی کتاب ذکر کرد) نبود. اما کتاب رو دوست داشتم.

۱

fateme_ghf

مدت‌ها بود کتابی به این خوبی نخونده بودم. تمام سلیقه من از به کتاب رو باهم یک جا می‌تونم توش ببینم. باهاش می‌خندی، بغض می‌کنی، حسرت می‌خوری، سفر می‌کنی، حرص میخوری، اضطراب می‌کشی، به فکر فرو می‌ری....

۲

